

مخبرم افندم  
 سزه بر مکتوب یا از اجفی خبری که یا از منم . یا از اجفی  
 مکتوب اولاد و بعضی خصوصیات اکتونگ . بوم نام  
 گو چمنده مخیره اتقونن ز لوانه کورد خودها  
 مناسب اوم بوم . تیب اتقونن بر سرده  
 ملاقات اتقونن که از زو اید بوم . کورد هاله بردن  
 کورد و حکم من الزامه .

منی ایدلج و بی ایستادم . فصل اولیورده  
 ز لیه عماره ر حوا اقام اید بیلینور  
 مکتوب یا از اجفی خبری که یا از منم . یا از اجفی  
 ات دیر مکتوبی - جا ایدم . فقط کز حاج  
 افتد عماره اقام ایدم . سرشاه الیورده  
 ایدم . باقی عماره ایدم . هم مقام ایدم  
 افندم | سره اول ۱۱۶

دوره ز لیه عماره و لیلی طرفنده  
 والده بر جلینامه طبرک . جلینامه آرقه  
 والده اجتر اولونقی و ولیلی اولاد سزده  
 جلینامه ده مکتوب اولونقی و جهره تشریح شایسته بدینده  
 مکتوب ر حوا ولیلی کورد . جقوننک یا زوم . آلتشده  
 والده م اوها ایدک . کورد بر باره که سزده  
 قانع اوخی لغا کورد بوم .  
 خاندان یا بیلا بر قانع مکتوب ر حوا اقام اتقونن

مکتوب یا از اجفی خبری که یا از منم . یا از اجفی